

دندانپزشک خبیث



بیادتان باشد که این یک کتاب ترسناک است

سرشناسه

: ویلیامز، دیوید، ۱۹۷۱-م

Walliams, David

: دندانی‌شک خبیث/ دیوید ویلیامز؛ مترجم نوگل رازی؛ ویراستار ابراهیم سهرابی.

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر: تهران

: تهران: امروز ما: قاصدک صبا، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری

: ۳۲۰ص.

: 978-622-963735-7

شابک

: فیبا

وضعیت فهرست نویسی

Demon dentist , 2016:

یادداشت: عنوان اصلی

: داستان‌های نوجوانان (انگلیسی)-- قرن ۲۱م.

موضوع

Young adult fiction, English-- 21st century:

موضوع

: رازی، نوگل، ۱۳۵۶، مترجم

شناسه افزوده

PZY:

ره‌بندی کنگره

: [ج۱۸۲۲/۹۲]

ره‌بندی دیویی

: ۶۰۵۸۱۶۷

شماره ثبت‌شناسی ملی



دندان‌شک خبیث

ناشر: امروز ما

نویسنده: دیوید ویلیامز

مترجم: نوگل رازی

ویراستار: ابراهیم سهرابی

ناظر فنی: اسماعیل سهرابی

طراح جلد: استودیو ۴میخ (فایده صبا)

صفحه‌آرایی: استودیو ۴میخ (پریسا علی‌موندی)

حروفچینی: امروز ما

لیتوگرافی: باختر

نوبت چاپ: اول تابستان ۱۳۹۹

شمارگان: ۶۰۰ نسخه

شابک: ۷-۵-۹۶۳۷۳-۹۶۲۲-۹۷۸

قیمت: ۵۲۰۰۰ تومان

(گروه سنی کودک و نوجوان)

مرکز پخش: تهران- خیابان انقلاب- خیابان فخر رازی- کوچه ماستری فراهانی- پلاک ۲۱

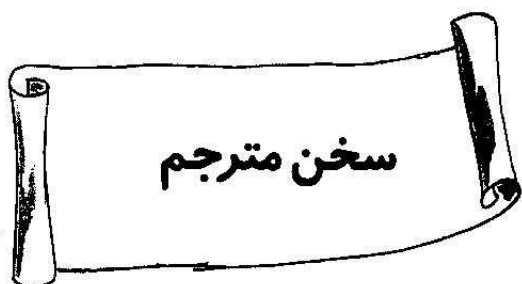
تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۶۴۰۴-۶۶۹۷۴۷۲۸ Instagram: Ghasedakesaba_Pub

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ می‌باشد.

فهرست

۹	سخن مترجم
۱۱	مقدمه
۲۳	فصل اول: یک دندان درد ساده
۲۹	فصل دوم: دور
۳۷	فصل سوم: دندان‌ها سفید
۴۷	فصل چهارم: سبزه تر از سیاه
۵۵	فصل پنجم: شکلات‌ها مخمر
۶۱	فصل ششم: مهمان ناخوانده
۶۷	فصل هفتم: راز
۷۳	فصل هشتم: وقت دندانپزشکی
۷۹	فصل نهم: به هیچ کس نگو
۸۷	فصل دهم: مأموریت اضطراری
۹۳	فصل یازدهم: نقشه
۱۰۵	فصل دوازدهم: یک نقشه‌ی حساب شده
۱۱۳	فصل سیزدهم: کلاس نمایش
۱۲۵	فصل چهاردهم: توپ‌های کوچک
۱۳۱	فصل پانزدهم: پایین رفتن از پله‌ها
۱۳۷	فصل شانزدهم: اشاره‌ی دست
۱۴۳	فصل هفدهم: بیا پیش مامی

۱۵۳	فصل هجدهم: مسخره‌ترین چهره
۱۶۳	فصل نوزدهم: کاغذ یخ‌زده
۱۷۱	فصل بیستم: دندان مصنوعی
۱۷۷	فصل بیست و یک: دندان پرنده
۱۸۵	فصل بیست و دو: آب نبات رنگی غول پیکر
۱۹۳	فصل بیست و سه: طعم قهوه
۲۰۳	فصل بیست و چهار: تاریکی مطلق
۲۱۱	فصل بیست و پنج: زیر بالش
۲۱۹	فصل بیست و شش: یک روح در دو بدن
۲۲۵	فصل بیست و هفت: همدی عصبی
۲۳۱	فصل بیست و هشت: دیوان
۲۳۵	فصل بیست و نه: خوابیدن درد تشنه
۲۴۱	فصل سی ام: جلوی من زانو بزن
۲۴۵	فصل سی و یک: چرخاندن گریه
۲۵۳	فصل سی و دو: اعماق زمین
۲۶۱	فصل سی و سه: معدن دندان
۲۷۱	فصل سی و چهار: نگاه به آسمان
۲۷۷	فصل سی و پنج: ضیافت استخوان
۲۸۱	فصل سی و شش: فریاد گوش خراش
۲۸۹	فصل سی و هفت: اسکلت‌های متحرک
۲۹۴	فصل سی و هشت: مامی می‌خواد تو رو بخوره
۲۹۹	فصل سی و نه: آخرین نفس
۳۰۶	فصل چهل: یک بالش راحت
۳۱۲	سخن آخر



بچه‌های عزیزی همان طور که می‌دانید پزشکان و از جمله دندانپزشکان دوستان ما انسان‌ها را کوچک و بزرگ هستند و این زنان و مردان شریف و توانا تمام سعی و تلاش خود را می‌کنند تا ما را از درد و بیماری دور نگه دارند.

امروزه با پیشرفت علم دندانپزشکی، واژه‌ی درد در مطب دندانپزشکان معنایی ندارد و شما بچه‌ها می‌توانید با خیالی راحت بر روی صندلی آن‌ها بنشینید و دندان‌های خراب و پوسیده‌تان را به دستان با کفایت آن‌ها بسپارید...

... اما داستان دندانپزشک خبیث درباره‌ی زنبور، شیطان صفت است که خود را به دروغ دندانپزشک معرفی می‌کند تا به اهداف سود خود جامه عمل بپوشاند.

این کتاب به جرأت یکی از پرهیجان‌ترین و جذاب‌ترین داستان‌های دیوید ویلیامز است که شما را هر لحظه با یک شگفتی مواجه می‌کند. آن فرد شخصیت اصلی داستان که دندان‌های پوسیده‌ای دارد، به ناچار برای درمان دندان‌هایش به مطب خانم روت می‌رود اما در این میان اتفاقی برای او می‌افتد که تمام داستان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کتاب دندانپزشک خبیث به خاطر فضای مهیج و سبک نگارش خاصی که دارد، باعث می‌شود که ما نتوانیم از دنبال کردن ماجرا دست بکشیم. الفی که با پدرش زندگی بسیار صمیمانه‌ای دارد، پسر بچه‌ای بسیار محافظه‌کار و

تا حدی ترسوست اما اتفاقی که برایش می افتد، سبب می شود که شجاعت خفته ی درونش بیدار شود و به جنگ دندانیزشک خیث برود.

این داستان علاوه بر فضای هیجان انگیزش بسیار آموزنده است و به ما شجاعت، اتحاد، دوستی و از خودگذشتگی را یاد می دهد. روابط نزدیکی که الفی با پدرش دارد یکی از مهم ترین نکات داستان به شمار می رود. درواقع پدر الفی بهترین دوست اوست و هرگز دست از پشتیبانی فرزندش برنمی دارد. این داستان جذاب فرق بین نیکی و بدی را به خوبی نشان داده و ما را به سمت و سویی سوق می دهد.

اما نکته ی جالب اهمیت آن است که ما علاوه بر شجاعت، انسانیت، نوع دوستی و ... دید عایت به داشت فردی را نیز جزو اولویت های زندگی مان قرار دهیم. چون اگر انی انسان های تمیز و بی نقصی داشت، شاید هرگز چنین اتفاقاتی برایش نمر افتاد.

با سپاس فراوان

نگل رازقی